

رابطه ویژگی‌های شخصیت و عوامل دموگرافیک با همسر آزاری در مردان

دکتر مجید محمودعلیلو* - فاطمه نعمتی سوگلی تپه** - دکتر بهرام صمدی راد***

*دکترای روانشناسی بالینی، دانشیار دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی
**دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی
***متخصص پزشکی قانونی، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، اداره کل پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی

چکیده

زمینه: اگرچه عوامل فرهنگی و اجتماعی به طور وسیع در فهم رفتار مردان همسرآزار مورد استفاده واقع شده‌اند، اما در پژوهش‌های اخیر، آگاهی رو به افزایشی در این زمینه که شخصیت نیز ممکن است در فهم رفتار آنان مؤثر باشد، مشاهده می‌شود. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت و عوامل دموگرافیک با همسرآزاری می‌پردازد.

روش بررسی: در این پژوهش که از نوع پس رویدادی است، ۱۰۰ مرد همسرآزار (به شیوه نمونه گیری دردسترس) و ۱۰۰ مرد عادی (به شیوه نمونه گیری خوشه ای) انتخاب شده و از طریق پرسشنامه جمعیت‌شناختی و پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو مورد ارزیابی واقع شدند و در نهایت داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری مجذور کای و تحلیل واریانس چند متغیره، مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که بین دو گروه مردان همسرآزار و عادی در ویژگی‌های شخصیتی روان نژندگرای (p=۰/۰۰۰)، دلپذیربودن (p=۰/۰۰۰) و باوجدان بودن (p=۰/۰۰۰) تفاوت معنی دار وجود دارد، اما در برون‌گرایی و گشودگی، تفاوت معنی داری بین دو گروه مشاهده نشد. همچنین نتایج نشان داد که بین میزان تحصیلات (p=۰/۰۰۰)، درآمد (p=۰/۰۰۹)، بیکاری (p=۰/۰۰۲)، مصرف الکل (p=۰/۰۱)، اعتیاد (p=۰/۰۰۰) و سابقه بیماری روانی (p=۰/۰۰۱) در مردان و همسرآزاری علیه زنان، رابطه معنی دار وجود دارد، اما بین نوع شغل مردان و همسرآزاری علیه زنان رابطه معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش، شواهد تجربی در این زمینه که ویژگی‌های شخصیت و عوامل دموگرافیک ممکن است بر همسرآزاری تأثیر داشته باشد، فراهم کرد.

واژگان کلیدی: همسرآزاری، ویژگی‌های شخصیت، عوامل دموگرافیک

تأیید مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۲۰

وصول مقاله: ۱۳۸۸/۵/۲۶

نویسنده پاسخگو: تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی f.nemati84@yahoo.com

مقدمه

دهه اخیر مورد توجه واقع گردیده، و نیز تحقیقات در خصوص علل و عوامل مؤثر بر آن بیشتر بر نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر همسرآزاری پرداخته‌اند، لزوم شناسایی عوامل روانشناختی مؤثر بر این پدیده احساس می‌شود. یکی از عوامل روانشناختی که ممکن است در همسرآزاری علیه زنان نقش داشته باشد، ویژگی‌های شخصیتی مرتکبین همسرآزاری است. شخصیت به عنوان یک متغیر روانشناختی که تمامی رفتارهای انسان را در عرصه زندگی شخصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند گاهی در اثر صفات ناسازگارانه، فرد و اطرافیان را با مشکل جدی مواجه سازد (۳) McCrae و Costa شخصیت را در امتداد پنج بعد یا پنج عامل اصلی، شامل روان نژندگرای (تمایل به تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت

با وجود اهمیت خانواده به عنوان محیطی مناسب برای ایفای وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آینده، امروزه بسیاری از خانواده‌ها دچار آسیب‌هایی نظیر طلاق، اختلافات زناشویی، خودکشی، کودک فراری و خشونت خانگی شده‌اند که روابط سالم خانوادگی را که برای بقای و تحکیم خانواده لازم و ضروری است، متزلزل ساخته و در مواردی از بین می‌برد (۱). از بین انواع آسیب‌هایی که بنیان خانواده را تهدید می‌کنند، «همسرآزاری» نمود بیشتری دارد، به طوری که بر اساس زمینه‌یابی‌های بسیار گسترده در ۶۰ کشور جهان، شیوع همسرآزاری جسمی و جنسی مردان علیه زنان در طول عمر به ترتیب ۶۹٪ - ۱۰٪ و ۲۵٪ می‌باشد (۲). از آنجا که این پدیده طی چند

1- neuroticism

پیشگیری را فراهم کرد و در جهت کاهش احتمال بروز همسرآزاری و سایر آسیب های اجتماعی مرتبط با این پدیده، همچون طلاق، اعتیاد و بزهکاری، نقش مؤثری ایفا نمود.

روش بررسی

این مطالعه، توصیفی از نوع پس رویدادی است و جامعه آماری آن شامل مردان (۲۵ تا ۵۰ ساله) همسرآزاری است که از بهمن سال ۱۳۸۷ تا اردیبهشت ۱۳۸۸ به دلیل شکایت همسران خود، به دادگاه-های خانواده شهر تبریز مراجعه کرده بودند. با بهره گیری از روش نمونه-گیری در دسترس، ۱۰۰ نفر از این افراد جهت مطالعه انتخاب شدند. همسرآزاری در پژوهش حاضر، شامل انواع همسرآزاری جسمی، روانی و جنسی می باشد که از طریق مصاحبه با زنان شاکی، مطالعه پرونده آنان، تأیید قاضی پرونده و پزشکی قانونی تشخیص داده شد. همچنین جهت اطمینان از انتخاب صحیح آزمودنی ها از آنان خواسته شد که به تکمیل پرسشنامه تاکتیک های تعارضی-۲ بپردازند. برای تعیین نقطه برش نمرات در پرسشنامه مذکور، نمره یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین به عنوان نقطه برش در نظر گرفته شد و بر اساس این نمره برش در هر یک از مقیاس ها، افراد همسرآزار مشخص شدند. جهت انتخاب گروه نمونه غیرهمسرآزار (عادی) نیز ابتدا از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، نواحی ۱، ۴ و ۷ شهر تبریز در طرح پژوهش قرار گرفتند و سپس از مراکز تفریحی، سینماها، پارکها، ایستگاه های اتوبوس و مراکز خرید هر یک از این نواحی، تعدادی از مراکز به صورت اتفاقی برگزیده شدند و از این مراکز، تعدادی از افراد به صورت تصادفی انتخاب شده و از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه تاکتیک های تعارضی-۲، ۱۰۰ نفر به عنوان مردان غیرهمسرآزار شناسایی شده و از نظر سنی (۲۵ تا ۵۰ ساله) با گروه همسرآزار همتا شدند. ابزارهای به کار رفته برای گردآوری داده ها عبارت بودند از: الف- پرسشنامه جمعیت شناختی: به وسیله این پرسشنامه برخی اطلاعات دموگرافیک و سوابق افراد از قبیل سطح تحصیلات، درآمد، شاغل یا بیکار بودن، نوع شغل، اعتیاد به مواد مخدر، مصرف الکل، سابقه بیماری روانی و ... تلخیص شدند. ب- مقیاس تاکتیک های تعارضی-۲ (CTS-2): این مقیاس، کاربردی ترین ابزار گردآوری داده های مربوط به همسرآزاری است که همزمان خشونت را به صورت دو جانبه (ارتکاب به خشونت یا قربانی خشونت بودن) و در ابعاد جسمانی، روانشناختی، زورگویی جنسی و آسیب و صدمه جسمی مورد ارزیابی قرار می دهد. یک مقیاس نیز به منظور سنجش مذاکره (روش غیرخشون) در کنار مقیاس های قبلی وجود دارد. ضریب پایایی این مقیاس توسط Straus و همکاران، ۰/۷۹ گزارش شده است (۱۹). در مطالعه محمدخانی و

و تکانشوری، کمروبی، افسردگی و عزت نفس پایین، برون گرایی^۲ (تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن)، گشودگی^۳ (تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، انعطاف پذیری، روشنفکری و نوآوری)، دلپذیربودن^۴ (تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماددوری، همدلی، فرمانبرداری، فداکاری و وفاداری) و باوجدان بودن^۵ (تمایل به سازمان دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویشستن داری، منطقی گرایی و تعمق) توصیف کرده اند (۴). متأسفانه مطالعات اندکی به بررسی رابطه ویژگی های شخصیت با همسرآزاری در قالب مدل پنج عاملی پرداخته اند و در داخل کشور نیز مطالعه ای در این زمینه صورت نگرفته است. در پژوهش Latina و همکاران، ویژگی های شخصیتی ۸۵۰ مرد همسرآزار در ایالت های مختلف امریکا مورد بررسی قرار گرفت که نتایج، حاکی از وجود ارتباط معنی دار بین همسرآزاری با ویژگی شخصیتی روان نژندگرایی بود (۵). در مطالعه-ای دیگر، رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با خشونت علیه زنان در ۴۵۰ مرد همسرآزار بررسی شد که یافته ها نشان دهنده وجود رابطه بین عوامل روان نژندگرایی و گشودگی با خشونت علیه زنان بود (۶). مطالعه Jensen- Campbell و همکاران (۷) نیز نشان داد که عامل باوجدان بودن بطور منفی با خشم در ارتباط است. همچنین پژوهش-های دیگر، همبستگی مثبت عامل روان نژندگرایی و ارتباط منفی عوامل دلپذیربودن و گشودگی را با تعاملات منفی در روابط زناشویی نشان داده اند (۸). اما پژوهش Romans و همکاران (۹) رابطه معنی-داری بین عوامل شخصیت و همسرآزاری علیه زنان نشان نداد.

در خصوص رابطه میان سطح تحصیلات مردان با همسرآزاری، مطالعات شمس اسفندآباد، صدرالسادات و امامی پور (۱۰)، Schuerger (۲۰۰۶) (۱۱) و نریمانی و آقا محمدیان (۱۲) نشان داد که همسرآزاری در مردان بی سواد و پایین تر از دیپلم، بیشتر از مردان دارای تحصیلات بالاتر است، اما پژوهش صالحی و مهرعلیان (۱۳) و نازپرور (۱۴) تفاوتی در این زمینه نشان نداد. شغل همسر و میزان درآمد او نیز می تواند در وقوع همسرآزاری نقش داشته باشد و وضعیت شغلی ضعیف و بیکاری، می توانند منجر به همسرآزاری شوند (۱۶ و ۱۵، ۱۱). در زمینه رابطه نوع شغل زوجین با همسرآزاری، برخی پژوهش ها میزان خشونت بالاتری را در شوهران کارگر یا دارای شغل آزاد نسبت به سایر مشاغل گزارش می کنند (۱۴). برخی مطالعات صورت گرفته در زمینه ارتباط بین اعتیاد به مواد مخدر و مصرف الکل با همسرآزاری نیز حاکی از وجود رابطه معنی دار بین متغیرهای مذکور می باشد، هر چند این رابطه ممکن است الزاماً یک رابطه مستقیم نباشد (۱۷ و ۱۳، ۱۱، ۱۰). تعدادی از مطالعات نیز مؤید ارتباط بین سابقه بیماری روانی در مردان و وقوع همسرآزاری علیه زنان بوده است (۱۸ و ۱۰). پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی رابطه ویژگی های شخصیت و عوامل دموگرافیک با همسرآزاری در مردان صورت گرفته است تا با شناسایی این عوامل بتوان زمینه افزایش آگاهی و اطلاع رسانی به افراد مستعد و انجام اقدامات مداخله گرانه در سطوح مختلف

- 2- extroversion
- 3- openness
- 4- agreeableness
- 5- conscientiousness

جدول ۱- نتایج آزمون مجذور کای جهت بررسی رابطه عوامل دموگرافیک با همسرآزاری

متغیر	آزمون	ارزش	درجه آزادی	سطح معنی داری
سطح تحصیلات	مجذور کای	۲۷/۰۴	۲	۰/۰۰۰
شاغل یا بیکار بودن	مجذور کای	۱۰/۰۱	۱	۰/۰۰۲
نوع شغل	مجذور کای	۰/۸۳	۲	۰/۴۱
میزان درآمد	مجذور کای	۹/۳۳	۲	۰/۰۰۹
اعتیاد به مواد مخدر	مجذور کای	۵/۹۲	۱	۰/۰۰۰
مصرف الکل	مجذور کای	۵/۹۲	۱	۰/۰۱
سابقه بیماری روانی	مجذور کای	۱۱/۰۵	۱	۰/۰۰۱

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه‌ها در ویژگی‌های شخصیت

متغیر	مردان همسرآزار	مردان عادی
	میانگین (انحراف استاندارد)	میانگین (انحراف استاندارد)
روان نژندگرای	۴۱/۷۷ (۱۰/۹۳)	۲۸/۶۷ (۸/۷۵)
برون گرایی	۳۵/۲۳ (۱۰/۵۱)	۳۳/۰۸ (۹/۷۰)
گشودگی	۲۹/۵۴ (۸/۹۳)	۲۷/۵۱ (۶/۸۴)
دلپذیربودن	۳۱/۷۸ (۹/۶۶)	۳۹/۷۱ (۱۱/۶۷)
باوجدان بودن	۲۷/۵۴ (۱/۲۶)	۳۴/۳۴ (۶/۵۴)

جدول ۳- نتایج آزمون لون جهت بررسی پیش فرض برابری واریانس‌های ویژگی‌های شخصیت در گروه‌ها

ویژگی‌های شخصیت	F	df ۱	df ۲	سطح معنی‌داری
روان نژندگرای	۰/۵۵	۱	۱۹۸	۰/۶۹
برون گرایی	۲/۲۳	۱	۱۹۸	۰/۴۲
گشودگی	۱/۹۷	۱	۱۹۸	۰/۱۴
دلپذیربودن	۱/۳۴	۱	۱۹۸	۰/۳۱
باوجدان بودن	۱/۴۱	۱	۱۹۸	۰/۲۳

همکاران نیز اعتبار و ثبات درونی مقیاس‌های پنج گانه CTS-2، ۷۹/۰ تا ۰/۹۵ به دست آمده است (۲۰). پ- پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI): این مقیاس، یک آزمون شخصیتی با دو فرم بلند (شامل ۲۴۰ سؤال) و کوتاه (شامل ۶۰ سؤال) می‌باشد (در پژوهش حاضر، فرم کوتاه پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت) که پنج زمینه اصلی شخصیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که عبارتند از: روان نژندگرای، برون گرایی، گشودگی، دلپذیربودن و باوجدان بودن. این ابزار با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) پاسخ داده می‌شود. روایی محتوای آن را Costa و McCrae بررسی نموده، پایایی آن را برای روان نژندگرای ۰/۹۰، برون گرایی ۰/۷۸، گشودگی ۰/۷۶، دلپذیر بودن ۰/۸۶ و باوجدان بودن ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند (۲۱). این پرسشنامه در ایران توسط گروسی فرشی به زبان فارسی ترجمه شده و روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی شده است که ضرایب پایایی به دست آمده برای عوامل مختلف آن عبارتند از: روان نژندگرای ۰/۷۹، برون گرایی ۰/۷۹، گشودگی ۰/۸۰، دلپذیر بودن ۰/۷۵ و باوجدان بودن ۰/۸۳ (۲۲). ضریب پایایی در پژوهش حاضر نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ محاسبه شد.

داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری، در نرم افزار SPSS و با بهره‌گیری از روش‌های آمار توصیفی، مجذور کای و تحلیل واریانس چندمتغیره، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در خصوص سطح تحصیلات نشان داد که ۵۳٪ از مردان همسرآزار دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۲٪ دبیرستان و دیپلم، و ۱۵٪ دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند و میزان تحصیلات مردان عادی در سطوح مختلف، به ترتیب ۲۲٪، ۳۶٪ و ۴۲٪ بود. مشاغل آزاد در مردان همسرآزار ۵۰٪، کارمند ۱۴٪، و کارگر ۱۸٪ و درصد مشاغل مذکور در گروه مردان عادی به ترتیب ۴۴٪، ۲۹٪، و ۲۳٪ بود. همچنین میزان بیکاری در مردان همسرآزار ۱۸٪ و در مردان عادی ۴٪ مشاهده شد. به تفکیک میزان درآمد نیز ۸٪ از مردان همسرآزار دارای درآمد بالا، ۴۰٪ دارای درآمد متوسط و ۵۲٪ دارای درآمد پایین بودند که یافته‌های فوق در مردان عادی، به ترتیب ۱۷٪، ۵۱٪ و ۳۲٪ بود. میزان اعتیاد به مواد مخدر در مردان همسرآزار ۲۶٪ و در مردان عادی ۳٪ بود. ۲۳٪ از مردان همسرآزار و ۱۸٪ از مردان عادی الکل مصرف می‌کردند. ۱۹٪ از مردان همسرآزار و ۳٪ از مردان عادی دارای سابقه بیماری روانی بودند.

جهت بررسی رابطه سطوح مختلف تحصیلات، درآمد، شاغل یا بیکار بودن، نوع شغل، اعتیاد به مواد مخدر، مصرف الکل و سابقه بیماری روانی مردان با همسرآزاری، از روش آماری مجذور کای استفاده شد که نتایج حاصل در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به یافته‌های جدول ۱، نتایج حاصل از اجرای آزمون مجذور

جدول ۴- خلاصه تحلیل واریانس چندگانه تفاوت نمرات ویژگی های شخصیت در گروه های مورد مطالعه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
روان نژند گرای	۸۵۸۰ / ۵۰	۱	۸۵۸۰ / ۵۰	۸۷ / ۴۰	۰ / ۰۰۰
برون گرای	۲۳۱ / ۱۲	۱	۲۳۱ / ۱۲	۲ / ۰۵	۰ / ۱۵۴
گشودگی	۲۰۶ / ۰۴	۱	۲۰۶ / ۰۴	۳ / ۲۵	۰ / ۰۷۳
دلپذیر بودن	۳۲۵۶ / ۲۴	۱	۳۲۵۶ / ۲۴	۲۸ / ۶۱	۰ / ۰۰۰
باوجدان بودن	۳۳۱۲	۱	۳۳۱۲	۳۱ / ۲۱	۰ / ۰۰۰
خطا					
روان نژند گرای	۱۹۴۳۷	۱۹۸	۹۸ / ۱۷		
برون گرای	۲۲۳۹۵ / ۰۷	۱۹۸	۱۱۲ / ۶۰		
گشودگی	۱۲۵۴۷ / ۸۲	۱۹۸	۶۳ / ۳۷		
دلپذیر بودن	۷۵ / ۲۲۵۳۳	۱۹۸	۱۱۳ / ۸۰		
باوجدان بودن	۱۴۶۶ / ۲۸	۱۹۸	۷۴ / ۵۷		

جدول ۳ درج شده است. اطلاعات جدول ۳ گویای آن است که واریانس های ویژگی های شخصیت در دو گروه با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون های لامبدای ویلکز و لون، تحلیل های مربوط به اثرات بین آزمودنی ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

مندرجات جدول ۴ نشان می دهد که بین دو گروه مردان همسرآزار و عادی در عامل شخصیتی روان نژندگرای تفاوت معنی دار وجود دارد ($F= ۸۷/۴۰$ ، $df = ۱$ ، $p = ۰/۰۰۰$) که با توجه به میانگین های نمرات دو گروه در عامل مذکور، مندرج در جدول ۲ (مردان همسرآزار: $۴۱/۷۷$ ، مردان عادی: $۲۸/۶۷$)، مشخص می شود که مردان همسرآزار نسبت به مردان عادی در عامل روان نژندگرای در سطح بالاتری قرار دارند، اما دو گروه در عوامل شخصیتی برون گرای ($p = ۰/۱۵$) و گشودگی ($p = ۰/۰۷$) تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند.

با توجه به اطلاعات جدول ۴، بین مردان همسرآزار و عادی در عامل دلپذیر بودن ($F= ۲۸/۶۱$ ، $df = ۱$ ، $p = ۰/۰۰۰$) تفاوت معنی دار وجود دارد که با مراجعه به میانگین های دو گروه در عامل دلپذیر بودن در جدول ۲ (مردان همسرآزار: $۳۱/۷۸$ ، مردان عادی: $۳۹/۷۱$)، مشخص می شود که مردان همسرآزار نسبت به گروه مردان عادی در عامل دلپذیر بودن در سطح پایین تری قرار دارند. همچنین جدول ۴، تفاوت معنی داری بین مردان همسرآزار و عادی در عامل باوجدان بودن ($F= ۳۱/۲۱$ ، $df = ۱$ ، $p = ۰/۰۰۰$) نشان می دهد. میانگین های نمرات گروه ها در عامل با وجدان بودن بر اساس جدول ۲ (مردان

کای حاکی از وجود رابطه معنی دار بین سطوح مختلف تحصیلات و همسرآزاری می باشد ($X^2 = ۲۷/۰۴$ ، $df = ۲$ و $p = ۰/۰۰۰$) به طوری که اکثر مردان همسرآزار (۵۳٪) از سطوح تحصیلات پایین تر از دیپلم برخوردار بودند. در خصوص رابطه بین شاغل یا بیکار بودن مردان و همسرآزاری نیز نتایج، نشان دهنده رابطه معنی دار بین بیکاری مردان و همسرآزاری علیه زنان بود ($X^2 = ۱۰/۰۱$ ، $df = ۱$ و $p = ۰/۰۰۲$). اما رابطه بین نوع شغل مردان با همسرآزاری علیه زنان معنی دار نبود. بین میزان درآمد مردان و همسرآزاری نیز رابطه معنی دار مشاهده شد ($X^2 = ۹۳/۳۳$ ، $df = ۲$ و $p = ۰/۰۰۹$) به طوری که بیش از نیمی از مردان همسرآزار از درآمد پایین تر از متوسط برخوردار بودند. نتایج تجزیه و تحلیل آماری در زمینه رابطه بین اعتیاد به مواد مخدر ($X^2 = ۹۲/۵$ ، $df = ۱$ و $p = ۰/۰۰۰$)، مصروف الکل ($X^2 = ۹۲/۵$ ، $df = ۱$ و $p = ۰/۰۱$) و سابقه بیماری روانی مردان ($X^2 = ۰۵/۱۱$ ، $df = ۱$ و $p = ۰/۰۰۱$) با همسرآزاری نیز نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بود.

جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد نمرات دو گروه مردان همسرآزار و عادی را در ویژگی های شخصیت نشان می دهد. به منظور تجزیه و تحلیل داده های مربوط به تفاوت دو گروه از مردان در ویژگی های شخصیت، از روش تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) بهره گرفته شد. به همین منظور برای تعیین معنی داری اثر گروه بر ویژگی های شخصیت، از آزمون لامبدای ویلکز^۷ استفاده شد که نتایج حاصل نشان داد بین دو گروه، در ویژگی های شخصیت تفاوت معنی دار وجود دارد ($F(۱۹۶/۳) = ۲۷/۲۰$ و $p = ۰/۰۰۰$). همچنین، جهت بررسی فرض برابری واریانس های ویژگی های شخصیت در گروه های مورد پژوهش نیز آزمون لون^۸ بکار گرفته شد. نتایج آزمون لون در

6 - MANOVA
7 - Wilk's lambda test
8 - Levene's test

بحث

همسرآزار: ۲۷/۵۴، مردان عادی: ۳۴/۳۴)، نشان دهنده آن است که مردان همسرآزار نسبت به گروه مردان عادی در عامل باوجدان بودن در سطح پایین‌تری قرار دارند.

نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های Latina و همکاران (۵) و Jensen - Campbell و همکاران (۷) و برخلاف یافته Romans و همکاران (۹) نشان داد که مردان همسرآزار نسبت به مردان عادی در عامل روان نژندگرایی در سطح بالاتری قرار دارند. به عقیده Costa و McCrae افراد دارای سطح روان نژندگرایی بالا، تمایل بیشتری به تجربه عواطف منفی چون اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین دارند (۱۹) و از سوی دیگر این افراد مستعد تجربه هیجان‌های منفی، حوادث استرس‌زا و درماندگی بیشتری می‌باشند (۲۳ و ۲۴) که همین امر آنان را در مقابله با رویدادهای فشارزای زندگی آسیب‌پذیر ساخته و زمینه را برای استفاده بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد (مثل خشونت و همسرآزاری) فراهم می‌سازد، بنابراین به نظر می‌رسد که رفتار همسرآزاری مردان بر اساس عامل شخصیتی روان نژندگرایی قابل تبیین است.

نتایج مطالعه حاضر رابطه معنی‌داری بین همسرآزاری با عامل شخصیتی برون‌گرایی نشان نداد. از آنجایی که پیوستار برون‌گرایی-درون‌گرایی، توصیف‌کننده نشانه‌های سلامت یا بیماری نمی‌باشد و صفات متضادی را توصیف نمی‌کند، بلکه اطلاعات جدیدی را در مورد شخصیت ارائه می‌دهد (۲۲)، به نظر نمی‌رسد که در سطح تئوریک بتواند تبیین‌کننده متغیر شخصیت باشد. از نظر پژوهشی نیز یافته‌ای که نشان‌دهنده ارتباط مثبت یا منفی این متغیر با همسرآزاری علیه زنان باشد، یافت نشد.

در زمینه رابطه همسرآزاری با عامل گشودگی نیز نتایج معنی‌داری مشاهده نشد که این یافته پژوهش با یافته‌های حاصل از بررسی‌های Martine (۶) و به طور غیرمستقیم با نتایج مطالعه Bryan و Conger, Donnellan (۸) که نشان‌دهنده همبستگی منفی عامل گشودگی با تعاملات منفی در روابط زناشویی است، ناهمسو می‌باشد.

عناصری چون تصور فعال، احساس زیباپسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت، صفات تشکیل دهنده عامل گشودگی می‌باشند و این عامل با رفتارهای خلاقانه و جنبه‌ای از هوش که تفکر و اگر نامیده می‌شود مربوط است، از سوی دیگر افراد بسته نیز به عنوان افراد قدرت طلب، نابدبار و پرخاشگر شناخته نمی‌شوند (۲۲)، بنابراین با این توصیف شاید مشکل بتوان در سطح تئوریک، همسرآزاری را بر اساس این بعد از شخصیت تبیین کرد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین عامل شخصیتی دلپذیر بودن با همسرآزاری رابطه وجود دارد و مردان همسرآزار در عامل دلپذیربودن در سطح پایین‌تری قرار داشتند که این یافته پژوهش به شکل غیرمستقیم با نتایج پژوهش Bryan, Conger و Donnellan (۸) همسو می‌باشد. بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت، افراد دارای سطح دلپذیری پایین، معمولاً بدگمان و شکاک بوده، فکر می‌کنند که دیگران ممکن است خلافکار یا خطرناک باشند. همچنین این افراد، شبیه افراد خودمحور بوده و به شرکت در مسایل دیگران بی‌علاقه می‌باشند؛ آنها پرخاشگر و رقابت جو هستند تا همراهی کنند و در مواقع ضروری ناراحتی خود را ابراز می‌کنند (۲۲). از سوی دیگر بر اساس مطالعات صورت گرفته، بعد شخصیتی دلپذیربودن، همبستگی منفی با سبک‌های مقابله‌ای مبتنی بر هیجان در موقعیت‌های فشارزای زندگی دارد (۲۵ و ۴). بنابراین، به نظر می‌رسد پایین بودن سطح دلپذیر بودن زمینه را برای پاسخ‌های غیرمنطقی، خصمانه و همراه با پرخاشگری در افراد همسرآزار فراهم می‌آورد.

نتایج پژوهش در زمینه ارتباط عامل شخصیتی باوجدان بودن، با همسرآزاری نیز نشان داد که مردان همسرآزار در این عامل شخصیتی نسبت به مردان عادی در سطح پایین‌تری قرار داشتند. تفاوت‌های فردی در کنترل خود که می‌تواند به مفهوم قدرت طرح‌ریزی فعال، سازماندهی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب باشد، اساس باوجدان بودن است (۲۲). بر اساس پژوهش‌های مختلف (۲۶ و ۲۷) ناتوانی در کنترل تکانه‌ها می‌تواند همبستگی بالایی با خشونت داشته باشد، به نظر می‌رسد که سطح پایین باوجدان بودن بتواند پیش‌بینی‌کننده همسرآزاری در مردان باشد.

یافته دیگر پژوهش، مشابه مطالعات شمس اسفندآباد، صدرالسلادات و امامی پور (۱۰)، Schuerger (۲۰۰۶) (۱۱) و نریمانی و آقا محمدیان (۱۲) و برخلاف نتایج به دست آمده از بررسی‌های صالحی و مهر علیان (۱۳) و نازپرور (۱۴) نشان داد که پایین بودن وضعیت تحصیلی و آموزشی مردان، عامل مؤثری در روابط مبتنی بر سوء رفتار می‌باشد و میزان تحصیلات می‌تواند در کیفیت زندگی زناشویی نقش مهمی داشته باشد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده و همسو با مطالعات صورت گرفته قبلی (۱۶ و ۱۵، ۱۱) مشخص شد که بیکار بودن مردان و سطح درآمد پایین، با وقوع همسرآزاری رابطه دارد. هنگامی که زنان، آینده خاصی را از لحاظ بهره‌مندی از امکانات مادی و رفاهی برای خود ترسیم می‌کنند تا در سایه ازدواج، بدان دست یابند ولی بعد از ازدواج در این زمینه احساس عدم موفقیت می‌کنند، ممکن است همسر خود را مقصر دانسته و به تدریج خلق و خوی خود را تغییر دهند که چنین برخوردی ممکن است اذیت و آزارهای همسران را به دنبال داشته باشد. در این پژوهش برخلاف یافته‌های قبلی (۱۷) و (۱۴)، وقوع همسرآزاری در بین مردان دارای مشاغل گوناگون (شغل آزاد، کارمند و کارگر) تقریباً به یک میزان بود و رابطه معنی‌داری

شناسایی افراد مستعد همسرآزاری یاری دهد تا با ارایه آموزش‌های لازم همچون آموزش انواع مهارت‌های زندگی، شیوه‌های حل تعارض سازنده، فنون مختلف زوج درمانی و ترغیب زوجین به تغییر سبک زندگی، در سطوح مختلف به پیشگیری از پدیده همسرآزاری و سایر آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن بپردازند. گفتنی است که شمار کم آزمودنی‌ها و روش نمونه‌گیری در دسترس که تعمیم یافته‌های پژوهش را محدود می‌سازد، از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر بود که برای تعمیم یافته‌های بدست آمده، انجام مطالعات مشابه، با نمونه‌های بزرگتر در پژوهش‌های گسترده، پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله بخشی از نتایج حاصل از پژوهشی است که از محل اعتبارات پژوهشی سازمان پزشکی قانونی کشور انجام گرفته است. بدین وسیله از مسؤولین محترم سازمان پزشکی قانونی و دادگستری کل استان آذربایجان شرقی و کلیه افرادی که امکان اجرای این پژوهش را فراهم کردند، سپاسگزاری می‌کنیم.

بین نوع شغل مردان و همسرآزاری وجود نداشت. یافته‌های پژوهش حاضر، مطابق با نتایج دیگر مطالعات (۱۷ و ۱۲، ۱۰) نشان داد که مصرف الکل و اعتیاد به مواد مخدر می‌تواند از طریق افزایش دفعات و شدت سوء رفتار، با همسرآزاری رابطه داشته باشد. بر اساس نتایج این پژوهش و مطالعات صورت گرفته پیشین (۱۸ و ۱۲، ۱۰)، ابتلا به بیماری روانی نیز می‌تواند یک عامل خطر ساز برای وقوع همسرآزاری باشد، زیرا اغلب اختلالات روانشناختی باعث آسیب در وضعیت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد مبتلا شده و آنها را در وضعیت تحریک پذیر قرار داده و قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت آنان را مختل می‌سازند که احتمالاً به تصمیم‌گیری عجولانه با نگرشی منفی به هنگام بروز تعارض در روابط زناشویی می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه برخی ویژگی‌های شخصیت و عوامل دموگرافیک با پدیده همسرآزاری می‌تواند متخصصان را در

References

- 1- Fotouhi Bonab R. Considering the educational effect of couple therapy functions in self – knowledge, religious orientation and marital adjustment of incompatible couples [dissertation]. Faculty of psychology and educational sciences of Tabriz Unive; 2007. [persian]
- 2- Heise L, Ellsberg M, Gottenmmoeller M. Ending violence against women. John Hopkins University: Population Reports; 2000. 134- 139.
- 3- Irani SS. Comparison of personality characteristics, personality disorders and coping styles in addicted patients and normal group [dissertation]. Faculty of psychology and educational sciences of Tabriz Unive; 2004. [persian]
- 4- McCrae RR, John OP. An introduction to the Five – Factor model and its application Special issue: The Five – Factor model: Issues and application. Journal of personality 1992; 60(3): 175 – 215.
- 5- Latina E, Stephen AW, Beatty DW, Christie MS, Dennis S. Personality characteristics of men who physically abuse women. J Psychiatric Services 1993; 44(7): 54- 58.
- 6- Martine S. Personality traits in man who abuse women. J Child Psychology and Psychiatry 1998; 9(4): 201- 216. [persian]
- 7- Jensen – Campbell LA, Knack JM, Waldrip AM, Campbel SD. Do big five personality traits associated with self – control influence the regulation of anger and aggression? J Research in Personality 2006; 41(2): 403 -424.
- 8- Donnellan MB, Conger RD, Bryant CM. The Big Five and enduring marriages. J Research in Personality 2004; 38 (5): 481- 504.
- 9- Romans S, Forte T, Cohen MM, Mont J, Hyman L. Who is most at risk for intimate partner violence? J Interpersonal Violence 2004; 12(2): 1495- 1514.
- 10- Shams Esfandabad H, Sadrossadat SJ, Emamipour S. Wife abuse and its factors among the married women of the city of Tehran. J Psychology of Tabriz University 2004; 1(1): 99- 122. [persian]
- 11- Schuerger JM. Personality and biographic data characterize men who abuse their wives. J of Clinical Psychology 2006; 44(1): 75-81.
- 12- Narimani M, Agamohamadian HM. A study of men's violence against women and related variables with it in Ardebil's families. J Fundamentals of Mental Health; 7(27&28): 107-113. [persian]
- 13- Salehi Sh, Mehralian HA. The prevalence and types of domestic violence against pregnant women referred to maternity clinics in Shahrekord. J Sharekord University of Medical Sciences 2003; 8(2): 72-77. [persian]
- 14- Nazparvar B. Domestic violence against women and its affecting factors. J Women Research 2002; 1(3): 47- 70. [persian]

- 15- Tienda M, Raijman R. Immigrant income packaging and invisible labor force activity. *J Social Science Quarterly* 2000; 81(1): 291 – 310.
- 16- Vennard J, Hedderman C. Effective intervention with offenders. London: Home Office. 1998. 211-218.
- 17- Jewkes R, Levine J, Penn-Kekana L. Risk factors for domestic violence: finding from a South African cross – sectional study. *J Social Science and medicine* 2002; 55(9): 603 – 623.
- 18- Holtzworth – Munroe A, Bates L, Smutzler N, Sandin E. A brief review of research on husband violence: I. Maritally violent versus nonviolent men. *J Aggression and Violent Behavior* 1997; 2(1): 65 – 99.
- 19- Straus MA, Hamby LS, Boney-McCoy S, Sugarman DB. The Revise Conflict Tactic Scale (CTS-2): Development and preliminary psychometric data. *J Family Issues* 1996; 17(6): 283-316.
20. Mohammadkhani P, Mohammadi MR, Reazae Doganeh E, Azadmehr H. Psychological pathology and individual and communicational problems of men with domestic violence. *J Rehabilitation* 2007; 7(4): 6-14.]persian[
- 21- Costa PT, McCrae RR. Revised Neo personality inventory. Florida: psychological assessment resources. 1992. 277 – 290.
- 22- Garousi Farshi M. The new approaches to personality assessment. Tabriz: Jamee Pajoo; 2001. 100- 120.
- 23- Bolger N, Schilling ES. Personality and the problem of everyday life: The role of neuroticism in exposure and reactivity to daily stressors. *J of personality* 1991; 59(11): 355- 386.
- 24- Suls J, Green P, Hillis S. Emotional reactivity to everyday problems, affective inertia, and neuroticism. *Personality and Social Psychology Bulletin* 1998; 24(9): 127 – 136.
- 25- John OP. Towards a taxonomy of personality descriptors. New York: Springer; 1989. 179- 186.
- 26- Reidy DE, Zeichner A, Foster JD, Martinez MA. Effect of narcissistic entitlement and exploration on human physical aggression. *J Personality and Individual Differences* 2007; 44(4): 865 – 875.
- 27- Edwards DW, Scott CL, Yarvis RM, Paizis CL., Panizzon MS. Impulsiveness, impulsive aggression, personality disorder, and spousal violence. *J Violence and Victims* 2003; 18(1): 3-14.

Archive